

## «حلقات»

# درس 64

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای ذکری

در درس گذشته بیان شد که سکوت متکلم از آوردن قرینه متصله نشان دهنده تطابق دلائل سه گانه کلام او (یعنی ظهور تصویری، ظهور تصدیقی اول و ظهور تصدیقی ثانی) می باشد.

در ادامه مباحث گذشته در این درس به بررسی رابطه قرینه منفصله با ظاهر حال متکلم در کلام اول خواهیم پرداخت و بیان می کنیم که میان آنها تناقض وجود دارد و در همین راستا کلام مرحوم نائینی را نقد می کنیم و در ادامه مباحث ظهورات، از ظهور حال و حجیت آن سخن می گوئیم.

## متن درس

و لو كان الاعتماد عليها و ورودها يوجب نفى المرتبة التي هي موضوع الحجية من الظهور لما كان ذلك على خلاف الطبع و لكان حاله حال الاعتماد على القرائن المتصلة التي تمنع عن انعقاد الظهور التصديقي على طبق المدلول التصوري.

## الظهور الحالى:

و كما ان الظهور اللفظي حجة، كذلك ظهور الحال، و لو لم يتجسد في لفظ أيضاً، فكلما كان للحال مدلول عرفي ينسب إليه ذهن اجتماعياً أخذ به غير ان إثبات الحجية لهذه الظواهر غير اللفظية لا يمكن ان يكون بسيرة المتسارعة و قيامها فعلاً في عصر المعصومين على العمل في مقام استنباط الأحكام بظواهر الأفعال، و الأحوال غير اللفظية

### قرینه منفصله و ظهور حال متکلم

هرگاه متکلمی سخنی بگوید و قرینه متصله‌ای نیاورد، مخاطبین هر معنایی را که در ذهنشان متصور شود به عنوان مراد استعمالی (ظهور تصدیقی اول) تلقی می‌کنند و در رتبه بعد همین مطلب را مراد جدی و مدلول تصدیقی ثانی می‌پندارند و این تطابق بین ظهور تصویری و ظهور تصدیقی اول و ظهور تصدیقی ثانی را از ظاهر حال متکلم استفاده می‌کنند و این ظاهر حال چیزی جز سکوت متکلم از آوردن قرینه متصله نیست؛ یعنی همین که او در کلامش قرینه متصله‌ای نیاورد کاشف از تطابق دلایل سه گانه کلام او می‌باشد.

### بررسی رابطه قرینه منفصله با ظاهر حال متکلم در کلام اول

حال اگر متکلم در کلام خود قرینه متصله‌ای نیاورد و ظهور حال برای کسی منعقد شود سپس در آینده؛ مثلاً فردا قریب منفصله‌ای بر خلاف مطلب دیروز بیاورد؛ این قرینه بیانگر آن است که بین دلالت‌های سه گانه کلام دیروز او تطابق نبوده است و ظهور حال دیروز در تطابق را تکذیب می‌کند؛ لذا بین ظهور حال دیروز و قریب منفصله امروز تناقضی دیده می‌شود و آمدن این قرینه باعث محو ظهور حال دیروز نمی‌شود؛ بلکه موجب نفی حجیت آن ظهور می‌شود.

لذا روش عقلا در بیان مرادشان این است که به قرائن منفصله‌ای که بر خلاف طبعشان می‌باشد تکیه نمی‌کنند؛ چرا که در صورت توجه به قرائن منفصله نوعی تناقض گویی درباره متکلم مقصور می‌شود و آنها اعتماد بر این نوع قرینه را شایسته متکلم نمی‌دانند.

### کلام مرحوم نایینی درباره رابطه قرینه منفصله با کلام اول

مرحوم نایینی در این باره معتقد است: آمدن قرینه منفصله، موجب هدم ظهور تصدیقی ثانی می‌شود و به عبارت دیگر ظهور تصدیقی ثانی هنگامی منعقد می‌شود که هیچ قرینه‌ای هر چند منفصله در کلام متکلم نیاید.

### نقد کلام مرحوم نایینی

ما بالوجدان می‌دانیم که عقلا بین قرینه منفصله و ظهور حال متکلم در کلام اول تناقض می‌بینند؛ لذا در محاوراتشان بر قرینه منفصله تکیه نمی‌کنند. حال اگر قرینه منفصله ظهور تصدیقی را از بین می‌برد - همان‌طور که قرینه متصله مانع انعقاد ظهور تصدیقی می‌شود - نباید خلاف طبع می‌بود و عقلا باید آن را مانند قرینه متصله به کار می‌بردند.

Sco1: 13: 35

## ظهور لفظ و ظهور حال

در ابتدای این بحث لازم است به عنوان مقدمه بیان شود که ظهور بر دو نوع است:

1. ظهور لفظ: ظهوری که از شنیدن الفاظ ایجاد می شود.

2. ظهور حال: ظهوری که از حالت انسان به دست می آید و خود به دو قسمت تقسیم می شود:

الف - ظهور حالی که در کالبد لفظ می باشد؛ مثل ظهور تصدیقی اولی و ثانی که بر گرفته از حالت متکلم در کلامش می باشد در حالتی که قرینه متصله ای در کلام خود نیاورد. به این ظهور، حالی می گویند؛ زیرا از سکوت متکلم که به لفظ ضمیمه شده به دست می آید.

ب - ظهور حالی مستقل از لفظ که ظهوری است غیر وابسته به لفظ و همان ظاهر حال انسان نسبت به عمل یک شخص است؛ مثلاً اگر شخص عملی را نزد امام (علیه السلام) انجام داد و ایشان هیچ مطلبی نفرمود این حاکی از رضایت حضرت به آن عمل است و ظاهر حال ایشان رضایت به این فعل است. در ادامه به بررسی حجّت این ظاهر می پردازیم.

Sco2: 16:37

## حجّت ظهور حال محض

برای حجیت به این ادله تمسک شده است:

1. سیره متشرعه

2. آیات و روایاتی که دالّ بر جواز تمسک به کتاب و حدیث هستند.

3. سیره عقلا

حال باید ببینیم که آیا این ادله برای اثبات حجیت ظهور حال کارایی دارند یا خیر؟

1. سیره متشرعه: در استدلال به سیره متشرعه باید وقوع این سیره در منظر معصوم (علیه السلام) احراز شود و احراز این مطلب محتاج کثرت وقوع این امر در زمان معصوم می باشد که این شیوع و وفور در زمان معصوم (ع) نبوده است؛ حال آنکه در این بحث چنین امری برای ما محرز نشده است و نمی دانیم آیا در منظر معصوم تکیه بر ظواهر احوال اتفاق افتاده است یا نه؛ لذا این دلیل در اینجا راه ندارد.
2. آیات و روایات: از آنجا که ظاهر حال، نه کتاب است و نه حدیث؛ لذا آیات و روایات حجّت ظهور الفاظ، توان اثبات حجّت ظاهر حال را ندارند.

3. سیره عقلا: از آنجا که بنای عقلا بر این است که به ظواهر احوال اعتماد می کنند؛ مثلاً از لبخند یک انسان، رضایت او را درمی یابند و بنا را بر راضی بودن او می گذارند و از طرفی در این باره از سوی شارع مخالفتی نیامده است ؛ لذا این دلیل، توان اثبات حجیّت را برای ظاهر حال دارد.

Sco3: 25:44

1. اگر متکلم در کلام خود قرینه متصله نیاورد این حاکی از تطابق دلائل سه گانه ی کلام او می باشد.
2. اعتماد بر قرینه منفصله، خلاف طبع عقلا و سیره محاوره‌ای آنها است؛ چرا که آنها بین قرینه منفصله و ظهور حال متکلم در کلام نخست؛ نوعی تناقض می بینند.
3. آوردن قرینه منفصله موجب از بین رفتن ظهور تصدیقی ثانی نمی شود؛ بلکه باعث دست برداشتن از حجیت آن می شود.
4. ظهور حال ظهوری است که از حالت متکلم و حالت مولی به دست می آید و خود به دو قسم تقسیم می شود:  
الف - ظهور حال در کالبد لفظ  
ب - ظهور حال مستقل از لفظ
5. ظهور حالی مستقل از لفظ به استناد سیره عقلا حجت می باشد؛ چرا که عقلا بف ظاهر حال تکیه می کنند و از جانب شارع مخالفتی با آن به دست ما نرسیده است.